

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرالزمان جلسه ۳، قوم خدا در عهد عتیق، بخش ۱

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان است. این جلسه ۳، قوم خدا در عهد عتیق، بخش ۱ است.

سپس، برخی از عبارات کلیدی در هر دو عهد و برخی از تصاویر به ویژه عهد جدید از کلیسا

حال به قوم خدا در عهد عتیق می‌پردازیم. قوم خدا با کلیسا در عهد جدید آغاز نمی‌شود، بلکه با قوم خدا در عهد عتیق آغاز می‌شود. بین قوم خدا در عهد عتیق و عهد جدید پیوستگی و گسستگی وجود دارد.

کلیسا همان اسرائیل معنوی است، اما عهد جدید نیز گاهی اوقات بین اسرائیل قومی و کلیسا تمایز قائل می‌شود و در رومیان ۱۱ وعده آینده‌ای برای قوم اسرائیل می‌دهد. من این را چندین بار گفته‌ام. قوم خدا در عهد عتیق، اول از همه، آغاز خود را در کتاب پیدایش دارند.

دوم، قوم خدا و عهد و پیمان‌ها، که عهدی طولانی است. قوم خدا و برگزیدگی آنها. خدا پروردگار همه است. اما از میان همه ملت‌ها، فقط یکی را انتخاب می‌کند.

قوم خدا و رهایی آنها از اسارت در خروج. قوم خدا و خدایشان. آنها توسط خدا و تعلقشان به خدا تعریف می‌شوند.

قوم خدا و کفاره، قربانی‌ها، و به ویژه روز کفاره. قوم خدا در پرستش و سرزمین. قوم خدا و سرزمین و قوم خدا، نبوت و مسیح.

موضوعات و اطلاعات خوب زیادی وجود دارد، گاهی اوقات، شاید بیشتر از گاهی اوقات، که اغلب نادیده گرفته می‌شوند. قوم خدا در آغاز، نقطه شروع قوم خدا در عهد عتیق. به طور خاص، آدم و حوا در باغ عدن. اولین قوم خدا هستند.

کتاب مقدس، باغ عدن را در چارچوب وسیع‌تری از خلقت کیهان توسط خدا قرار می‌دهد. این محیط، محیط قوم خدا، هم کیهانی و هم محلی است. کتاب مقدس با این جمله آغاز می‌کند که خدا در آغاز آفرید، پیدایش او آسمان‌ها و زمین را آفرید، که روشی عبری برای بیان تمام واقعیت آفریده شده است. ۱:۱

خداوند که ابدی و بدون آغاز و پایان در زمان است، جهان و به طور خاص زمین را به عنوان خانه‌ای برای بشر آفرید. اگرچه او از مواد خام برای آفرینش آدم و حوا استفاده کرد، اما آغاز کار خلاقانه او از هیچ، یعنی از هیچ، کاملاً نو بود. رومیان ۴:۱۷، ۱۷، عبرانیان ۱۱:۳. در آفرینش، خداوند صفات خود، از جمله نقل قول قدرت ابدی و ذات الهی خود را آشکار کرد، رومیان ۱:۲۰. آفرینش خداوند، جلال و کار دست او را به طور مداوم و جهانی نشان می‌دهد، همانطور که مزمور ۱۹، ۱ تا ۶ نشان می‌دهد.

آسمان‌ها جلال خدا را بیان می‌کنند و فلک، عمل دست‌های او را اعلام می‌دارد. روز به روز، کلام را جاری می‌سازند و شب به شب، دانش را بیان می‌کنند.

پیام آنها به تمام زمین رسیده و سخنانشان تا اقصای جهان است. در آنها، او خیمه‌ای برای خورشید برپا کرده است که مانند دامادی که حجله خود را ترک می‌کند، بیرون می‌آید و مانند مردی قوی، با شادی در مسیر خود می‌دود. طلوع آن از انتهای آسمان‌ها و مدار آن تا انتهای آنهاست و هیچ چیز از گرمای آن پنهان نیست.

در حالی که کیهان محیط بزرگتری است، باغ عدن محیط کوچکتری است. نقل قول، خداوند باغی در عدن در شرق کاشت و در آنجا انسانی را که آفریده بود، قرار داد. خداوند خدا باعث شد که درخت از زمین روید، هر درختی از نظر ظاهری دلپذیر و برای غذا خوب بود.

خداوند انسان را گرفت و او را در باغ عدن قرار داد تا در آن کار کند و از آن مراقبت کند، پیدایش ۲، ۸، ۹، اولین زوج، خداوند آدم و حوا را به عنوان اولین نمایندگان نسل بشر آفرید و آنها را به عنوان موجوداتی ۱۵. ویژه آفرید. نقل قول: خداوند انسان را از خاک زمین سرشت و نفس حیات را در بینی او دمید و انسان به موجودی زنده تبدیل شد، پیدایش ۲، ۷. خداوند به سایر موجودات نفس حیات را عطا کرد، پیدایش ۱:۳۰، ۶:۱۷، ۷:۱۵، ۲۲ و.

و ۲۲. اما او فقط از طریق تماس نزدیک به بشر نفس حیات بخشید. خلقت حوا، ۷:۱۵، ۶:۱۷، ۱:۳۰، توسط خدا نیز خاص بود.

نقل قول: پس خداوند خواب عمیقی بر آدم مستولی کرد و او به خواب رفت. خدا یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت را در آن جای بست. سپس خداوند دنده‌ای را که از آدم گرفته بود، به زنی تبدیل کرد و او را نزد آدم «آورد و آدم گفت»: این یکی بالآخره استخوانی از استخوان‌های من و گوشتی از گوشت من است.

این یکی زن نامیده خواهد شد، زیرا از مرد گرفته شد، پیدایش ۲:۲۱ تا ۲۳. کتاب مقدس نه تنها خلقت ویژه خدا از اولین جفت را تعلیم می‌دهد، بلکه خلقت آنها را به صورت خدا نیز بیان می‌کند. بنابراین، خدا انسان را به صورت خود آفرید.

به صورت خدا آفرید؛ مرد و زن، ایشان را آفرید، پیدایش ۱:۲۷. خدا والدین اولیه ما را مانند خود آفرید. ایشان را در دانش مانند خود گردانید، کولسیان ۳:۱۰.

و در پارسی، افسسیان ۴، ۲۴. در رابطه با خود، خلقت، و با یکدیگر و با تسلط بر سایر مخلوقات، پیدایش من از آنتونی هوکما آموختم، که به تصویر خدا آفریده شده است. ۱:۲۶.

برخلاف احساسات پست مدرن، انسان‌ها خود را نمی‌آفرینند، بلکه ساخته‌ی دست خداوند متعال، خالق آسمان و زمین، هستند. آفرینش باشکوه خداوند، صفات ابدیت، قدرت مطلق، حکمت، حاکمیت، نیکی و جلال او را آشکار می‌کند.

او، نه قوش، مضمون اصلی کتاب مقدس است. با این وجود، خلقت آدم و حوا توسط او، بشریت را در کنار پسرش در داستان کتاب مقدس قرار می‌دهد. آدم و حوا خدا را می‌شناختند و در محیطی بی‌نقص با او همراه بودند، اما مشکل در باغ عدن در کمین بود.

دشمن آنها، قبل از سقوط آدم و حوا، دشمنی در میان درختان باغ در کمین بود. در واقع، این قدرت تاریک عامل اصلی سقوط آنها در گناه است. پیدایش منشأ دشمن را به ما نمی‌گوید، اما سایر متون مقدس به ما در شناسایی او کمک می‌کنند.

خدا همه چیز را نیکو آفرید، حتی بسیار نیکو، پیدایش ۱:۳۱. او را به عنوان یک فرشته نیکو آفرید، خدا هیچ فرشته دیگری نیافرید. شیطان سرکشی کرد و دشمن شماره یک خدا و مقدسین او شد.

دو بار، کتاب مکاشفه، دشمن بزرگ خدا را به عنوان، نقل قول، اژدهای بزرگ، مار باستانی، که ابلیس نامیده می‌شد، و شیطان معرفی می‌کند. نقل قول بسته، مکاشفه ۹:۱۲. با ۲۰، مکاشفه ۲۲، در آیه ۲ مقایسه کنید. او در باغ به صورت مار ظاهر شد. در اینجا، نماد ضد خدا.

بروس والتکه، سفر پیدایش، تفسیر. او در کتاب مقدس به عنوان دشمن سرسخت قوم خود ظاهر می‌شود. ایوب ۴:۲ و ۵. پوست در برابر پوست، خدا، شیطان به خداوند پاسخ داد.

انسان حاضر است هر چه دارد را در ازای جانش بدهد، اما دستت را دراز کن و گوشت و استخوان ایوب را بزن، و او قطعاً تو را در رو لعنت خواهد کرد. ایوب ۴:۲ و ۵. متی ۴:۱. عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا شیطان او را وسوسه کند. متی ۴:۱. لوقا ۳:۲۲ و ۴. سپس شیطان به یهودا، معروف به اسخریوطی، که در میان دوازده نفر بود، وارد شد.

او رفت و با کاهن اعظم و مأموران معبد گفتگو کرد که چگونه می‌تواند عیسی را به آنها تحویل دهد. لوقا ۳:۲۲ و ۴. دوم قرن‌تین ۱۴:۱۱. شیطان خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد.

دوم قرن‌تین ۱۴:۱۱. افسسیان ۶:۱۱. زره کامل خدا را بپوشید تا بتوانید در برابر نقشه‌های شیطان بایستید.

افسسیان ۶:۱۱. عبرانیان ۲:۱۴، ۱۵. حال، از آنجایی که فرزندان از جسم و خون مشترک برخوردارند، عیسی نیز در این دو شریک شد تا از طریق مرگ خود، کسی را که قدرت مرگ را در دست دارد، یعنی شیطان، نابود کند و کسانی را که تمام عمر از ترس مرگ در بندگی بوده‌اند، آزاد سازد.

عبرانیان ۲:۱۴ و ۱۵. اول پطرس ۵:۸. هوشیار و بیدار باشید. دشمن شما، ابلیس، مانند شیر غران در اطراف می‌چرخد و به دنبال کسی می‌گردد تا او را بلعد.

اول پطرس ۵:۸. یک متن دیگر، مکاشفه ۱۰:۲۰. ابلیس که آنها را فریب داد، به دریاچه آتش و گوگرد انداخته شد، جایی که وحش و پیامبر دروغین هستند، و آنها تا ابد و ابد شبانه روز عذاب خواهند کشید. مکاشفه ۲۰:۱۰.

مار کلام خدا به آدم را به چالش کشید و سپس انکار کرد. نقل قول: از درخت شناخت نیک و بد نخور، زیرا روزی که از آن بخوری، هر آینه خواهی مرد. نقل قول بسته.

پیدایش ۲:۱۷. کودک تیزبین است. نقل قول، این کلام مار علیه کلام خداست، و اولین آموزه‌ای که انکار می‌شود، داوری است.

نقل قول نزدیک. درک کیدنر، پیدایش، تیندال، تفاسیر عهد عتیق. در واقع، او ادامه می‌دهد، اگر انکارهای مدرن آن با انگیزه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد، به همان اندازه با مکاشفه در تضاد هستند.

عیسی آموزه داوری را به طور کامل تأیید کرد. عیسی واعظ اصلی جهنم در کل کتاب مقدس است. والدین اولیه ما معتقد بودند که مار دروغگو تاریخ جهان را خورده و تغییر داده است.

در واقع، شورش آنها به طرز غم انگیزی باعث مهمترین جدایی داستان کتاب مقدس شد. مهمترین جدایی داستان کتاب مقدس بین عهد عتیق و عهد جدید نیست. این جدایی مربوط به قبل و بعد از سقوط است.

پیدایش فقط سه فصل را به مورد اول اختصاص داده است، اما پیامدهای سقوط فاجعه بار بود و جهان و نوع بشر هرگز تا زمان آسمانها و زمین جدید که در دو فصل آخر کتاب مقدس شرح داده شده است، یکسان نخواهند بود. شورش آنها و نتایج آن. اثرات زیان بار گناه اولیه آدم بسیار زیاد است.

اگرچه آدم و حوا سالها از مرگ جسمانی رنج نبردند، اما بلافاصله از نظر روحانی مردند. این موضوع در پنهان شدن آنها از خدا، امتناع از پذیرش گناه خود و سرزنش دیگران دیده می شود. پیدایش ۱۱: ۳-۱۳

در نتیجه ی هبوط، حوا در هنگام زایمان درد خواهد کشید و آدم با زایمان دردناک، محصولات کشاورزی را پرورش خواهد داد. پیدایش ۳: ۱۶-۱۹. خدا با ایجاد دشمنی بین نسل مار و نسل زن، مار را نفرین کرد.

این از جنگ بین فرزندان شیطان و فرزندان خدا سخن می گوید که در شیطان و عیسی به اوج خود می رسد. شیطان پاشنه مسیح را خواهد زد و هنگام مرگ عیسی ضربه ای جدی به او وارد خواهد کرد، اما مسیح در مرگ و رستاخیز خود، ضربه ای مهلک به سر شیطان خواهد زد. پیدایش ۳، ۱۵

سقوط، پیامدهای عظیمی داشت. بشریت هم گناه و هم فساد را به ارث برد. در آدم، همه ما در برابر خدای مقدس محکوم هستیم و گناه وجود ما را لکه دار می کند.

ما طبق طبیعت سقوط کرده خود گناه می کنیم. همانطور که آدم عهد با خدا را شکست، همه فرزندان او نیز چنین کردند؛ مسیح پذیرفت. ارزیابی خدا از زندگی بشر قبل از طوفان نوح کاملاً واضح است.

خداوند دید که شرارت انسان بر روی زمین بسیار زیاد است و هر نیتی از افکار قلب او دائماً شر است. متأسفانه، پس از طوفان نوح، نیت قلب انسان از جوانی شر است. اسرائیل، که توسط کنعانیان فاسد محاصره شده بود، از قانون سرپیچی کرد.

همه اینها نشان می دهد که اگر کسی قرار است نجات یابد، به فیض مطلق خدا نیاز دارد و او این فیض را در مسیح فراهم می کند. کار نجات بخش او آنقدر عظیم بود که حتی مؤمنان عهد عتیق را نیز نجات داد. عبرانیان ۹: ۱۵

گناه آدم، گناه نخستین است. گناه او در عدن، فرزندان او را محکوم و فاسد می کند. این امر در شرایطی که قابیل، هابیل را می کشد، آشکار است (پیدایش ۴: ۱ تا ۱۵)، در شرایطی که جهان خدا را به آوردن سیل واداشت.

در مورد غرور بشریت در بابل، پیدایش ۱۱: ۱ تا ۹، و در مورد گناه سدوم و عموره، پیدایش ۱۸: ۱۶ تا ۳۳، و تا ۲۹. گناه سدوم و عموره، پیدایش ۱۸: ۱۶ تا ۳۳، ۱۹: ۱ تا ۲۹. پولس با تأمل در مورد تأثیرات گناه ۱: ۱۹. آدم بر قومش، به صراحت صحبت می کند.

به خطای یک نفر، بسیاری مردند، رومیان ۵: ۱۵. از یک گناه، داوری پدید آمد که به محکومیت انجامید. به خطای یک نفر، مرگ از طریق آن یک نفر سلطنت کرد، آیه ۱۷. ۱۶: ۵.

به واسطه یک خطا، محکومیت برای همه است، آیه ۱۸. به واسطه نافرمانی یک انسان، بسیاری گناهکار شدند، رومیان ۵:۱۹. در نتیجه گناه اولیه آدم، بشریت از خالق خود بیگانه شده و اگر قرار است کسی نجات یابد، به ابتکار عمل او نیاز دارد.

همچنان که داستان در عهد جدید آشکار می‌شود، می‌آموزیم که این همان کاری است که تثلیث انجام داده است. زیرا پدر قومی را برای خود برگزید، پسر آنها را با خون خود نجات داد و روح القدس با متحد کردن آنها با مسیح، رستگاری را برای آنها به ارمغان می‌آورد. در سه فصل اول کتاب مقدس، از آغاز قوم خدا و امتیازات آنها یاد می‌گیریم.

ما با پروردگارشان، دشمن بزرگشان، و سقوط فاجعه‌بارشان در گناه که زندگی خودشان و فرزندانشان را نابود می‌کند، ملاقات می‌کنیم. قوم خدا و پیمان‌ها. یک نشانه متمایز در زندگی قوم خدا در هر دو عهد، پیمان‌های خدا با آنهاست.

عهد، رابطه‌ای رسمی بین خدا و قومش است که توسط خدا آغاز می‌شود و در آن او وعده‌هایی می‌دهد که او را نسبت به قومش و آنها را نسبت به او متعهد می‌کند. ما این عهدها را بررسی خواهیم کرد: عهد نوح، ابراهیم موسی، داوود و نوح جدید. در مواجهه با خیانت و فساد جهانی نژاد بشر قبل و بعد از سیل، خدا با رحمت با نوح عهد بست تا جان بشر و قوم خدا را حفظ کند.

گناه بشر تا جایی پیش رفته بود که شرارت بشر در زمین گسترده شده بود و هر فکر مردم همیشه شیرانه بود. در نتیجه، خداوند از اینکه انسان را آفریده بود پشیمان شد، پیدایش ۶:۶، و تصمیم گرفت بشر فاسد را به همراه سایر موجودات ریشه کن کند، پیدایش ۶:۵-۷، آیه ۱۷. نقل قول، با این حال، نوح مورد لطف خداوند قرار گرفت، آیه ۹، و از طریق او و خانواده‌اش، خداوند نسل بشر را حفظ کرد.

خدا به نوح وعده داد که من عهد خود را با تو و خانواده‌ات استوار خواهم کرد. خدا به او دستور داد که برای نجات همسرش، سه پسر و همسرانشان، کشتی‌ای بسازد، اول پطرس ۳:۲۰. و دو حیوان مولد از هر نوع پیدایش ۶:۱۴-۲۲. خدا طوفانی آورد و، نقل قول می‌کنم، هر موجود زنده‌ای را که بر روی زمین بود، از انسان گرفته تا دام، تا موجودات خزنده و تا پرندگان آسمان، از بین برد.

تنها نوح و همراهانش در کشتی باقی ماندند، نقل قول نزدیک، پیدایش ۷:۲۳. هنگامی که آب‌های طوفان فروکش کرد، خدا به نوح و خانواده‌اش گفت که کشتی را ترک کنند و حیوانات را با خود بیاورند تا در زمین پخش شوند. و آنها این کار را کردند. نوح به نشانه قدرانی، با تقدیم قربانی به خدا، او را پرستش کرد.

آیه ۲۰ از پیدایش ۸. خدا خشنود شد و وعده داد، نقل قول کنید، من دیگر هرگز زمین را نفرین نخواهم کرد من دیگر هرگز زمین را به خاطر انسان نفرین نخواهم کرد، زیرا نیت دل انسان از جوانی بد است. و دیگر هرگز هیچ موجود زنده‌ای را مانند گذشته نخواهم کشت. تا زمانی که زمین باقی است، زمان کاشت و برداشت، سرما و گرما، تابستان و زمستان، روز و شب، متوقف نخواهد شد.

پیدایش ۸:۲۱-۲۲. گوردون ونهام روح نقل قول عهد نوح را به تصویر می‌کشد؛ این نقل قول از ونهام *پیدایش ۱-۱۵*، تفسیر کتاب مقدس است. داستان سیل در واقع داستانی از ویرانی فاجعه‌بار است که نفرت خدا از گناه را ثابت می‌کند. تصویری از خشم خدا که سرانجام در روز آخر بر همه کسانی که به راه خود می‌روند آشکار خواهد شد.

اما این داستان تسلی‌بخش نیز هست. خداوند، تا زمانی که زمین وجود دارد، به حفظ نظم طبیعی فعلی ادامه خواهد داد، نقل قول، نقل قول نزدیک، در یک نقل قول، علیرغم انحراف و فسادناپذیری قلب انسان. علاوه

بر این، داستان طوفان نوح به صالحان، کسانی که با خدا راه می‌روند و احکام او را نگه می‌دارند، اطمینان می‌دهد که آنها نیز تا حیات ابدی حفظ خواهند شد.

عهد نوح وعده خداست که نسل بشر و قوم خدا را علی‌رغم سرکشی و گناه مداوم آنها تا پایان عصر حفظ کند و التکه درست می‌گوید، نقل قول می‌کند، خدا با مشیت الهی زمین و بوم‌شناسی آن را تا داوری نهایی حفظ خواهد کرد. اول پطرس ۲۰:۳-۲۱، دوم پطرس ۵:۲-۱۲. اول پطرس ۲۰:۳-۲۱، دوم پطرس ۵:۲-۱۲. همچنان به نقل از والتکه، خدا ادامه بشریت را تا پایان تاریخ تضمین می‌کند، نقل قول نزدیک

والتکه، تفسیر پیدایش، صفحه ۱۴۳. عهد ابراهیمی. عهدی که خدا با ابراهیم بست، اولین عهدی است که به رستگاری مربوط می‌شود، اساس عهد موسی است و پایه و اساس عهد جدید است که آن را تکمیل و تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

دوباره می‌گوییم چون تأکید بیش از حد بر اهمیت عهد ابراهیمی دشوار است. عهد نوح به رستگاری نمی‌پرداخت، بلکه به حفظ نسل بشر می‌پرداخت. عهد خدا با ابراهیم اولین عهدی است که به رستگاری می‌پردازد، اساس عهد موسی است و پایه و اساس عهد جدید است که آن را تکمیل و تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

ما او را ابراهیم می‌نامیم، اگرچه می‌دانیم که نام او از ابرام به ابراهیم تغییر یافته است. خداوند در اور کلدانیان بر ابراهیم ظاهر شد و به او گفت که خانه خود را ترک کند و به سرزمینی که به او نشان خواهد داد، برود. خدا به ابراهیم وعده‌های شگفت‌انگیزی داد، که از او ملتی بزرگ به وجود آورد، او را برکت دهد و نام او را بزرگ کند، او را واسطه برکت برای دیگران قرار دهد و به وسیله او همه خانواده‌های زمین را برکت دهد. پیدایش ۱۲: ۱-۳.

یوشع فاش می‌کند که ابراهیم، پدر قوم خدا، از خانواده‌ای بت‌پرست بود، یوشع ۲:۲۴ و ۳. در پیدایش ۱۵ خدا اعلام می‌کند که او محافظ و سپر ابراهیم است و پاداش بزرگی به او خواهد داد، ۱۵:۱، بسیار بزرگتر از غنیمتی که او از پادشاه سدوم پس از شکست پادشاهان، پیدایش ۱۴:۲۱-۲۴، رد کرد. خدا یک توافق رسمی بین خود و ابراهیم و فرزندانش در کنعان منعقد می‌کند، پیمانی که اساس بقیه داستان کتاب مقدس را تشکیل می‌دهد. خدا قول می‌دهد که به او پسری به عنوان وارث بدهد و فرزندان او را به اندازه ستارگان زیاد کند.

نقل قول، و ابراهیم به خداوند ایمان آورد و این برای او پارسایی شمرده شد، پیدایش ۱۵: ۶. کلماتی که عهد جدید سه بار به عنوان گواهی بر پارسایی از طریق ایمان نقل می‌کند. رومیان ۴:۳، غلاطیان ۳:۶، یعقوب ۲:۲۳.

رومیان ۴:۳، غلاطیان ۳:۶، یعقوب ۲:۲۳. در پاسخ به درخواست ابراهیم برای نشانه‌ای، خداوند عهد خود را با او به شکل اعطای زمین سلطنتی باستانی تأیید کرد. طبق دستور، ابراهیم یک گوساله ماده، یک بز ماده یک قوچ، یک قمری و یک کبوتر جوان را به حضور خداوند آورد، حیوانات را از وسط نصف کرد و تکه‌ها را روبروی یکدیگر قرار داد، پیدایش ۹:۱۵ و ۱۰.

هنگام غروب خورشید، خوابی عمیق بر ابراهیم مستولی شد و تاریکی وهم‌آور و وحشتناکی او را احاطه کرد، آیه در تاریکی، خدا از میان تکه‌های حیوانات عبور کرد، نقل قول، در یک آتشدان دودزا و یک مشعل ۱۲. فروزان، آیه ۱۷، که نماد حضور او بود. این مطابق با معاهداتی بود که در آنها، نقل قول، هر دو طرف از میان حیوانات تکه‌تکه شده عبور می‌کردند تا در صورت شکستن عهد خود، سرنوشت مشابهی را برای خود رقم بزنند، نقل قول نزدیک.

فقط در اینجا، خدا از میان حیوانات تقسیم شده عبور می‌کند در حالی که ابراهیم در خواب است، که نشان می‌دهد این عهد مونرژیک است، انجام می‌شود، ساخته می‌شود، توسط یک نفر به انجام می‌رسد. این با دو نفر است، اما تنها توسط خدا به انجام می‌رسد. والتکه با نقل قول از متون باستانی خاور نزدیک و ارمیا ۳۴- می‌گوید که اگر خدا به عهد خود عمل نکند، خود را نفرین می‌کند ۱۸

پس از کشته شدن حیوان، کسی که قربانی می‌کند، در صورت شکستن عهد، می‌تواند انتظار سرنوشتی مشابه حیوان را داشته باشد. بنابراین، قربانی، اجرای سوگند است. والتکه، پیدایش ۲-۴-۵

برای دیدگاهی دیگر، به ونهام، پیدایش ۱-۱۵، ۳۳۲-۳۳۳ مراجعه کنید. خدا عهد را فسخ می‌کند. این تماماً ابتکار اوست و فداکاری کامل ابراهیم را مطالبه می‌کند.

این یک امر مونرژیک و دو طرفه است. مونرژیک، ابراهیم با خدا مذاکره نمی‌کند، و حتی هر دو پشت میز نمی‌نشینند تا خدا عهد ببندد. ابراهیم بی‌تفاوت است.

این یک رابطه‌ی مونرژیک است، اما دوطرفه است. خدای من! خدا این کار را با ابراهیم انجام می‌دهد، و این زندگی ابراهیم، تمام فداکاری او را به خطر می‌اندازد.

خداوند که به ابراهیم وعده داده بود که او را پدر ملتی بزرگ خواهد کرد، اکنون مرزهای بسیار وسیعی را برای وسعت سرزمینی که ابراهیم به ارث خواهد برد، تعیین می‌کند، پیدایش ۲-۴، آیات ۱۸-۲۳. ما هنوز در پیدایش ۱۵ هستیم. مرزهایی که تنها در زمان سلطنت سلیمان پادشاه به آنها دست یافتیم، اول پادشاهان ۵:۱.

در پیدایش ۱۷، خداوند عهد را دوباره تأیید و مهر می‌کند. خداوند متعال بر ابراهیم ۹۹ ساله ظاهر می‌شود و به او می‌گوید که در حضور خدا زندگی کند و بی‌عیب باشد، آیه ۱. خداوند نام او را از ابرام، پدر والا، به ابراهیم، پدر بسیاری از مردم تغییر می‌دهد. زیرا خداوند او را پدر بسیاری از ملت‌ها خواهد ساخت، آیه ۵ پیدایش ۱۷.

خداوند با نقل قول از پیدایش ۱۷:۷ و ۸، اصول اساسی این عهد را بیان می‌کند. من عهدی را که بین من و تو و فرزندان آینده‌ات در طول نسل‌هایشان است، تأیید خواهم کرد. این یک عهد دائمی است که خدای تو و خدای فرزندان تو پس از تو باشم. و به تو و فرزندان آینده‌ات، سرزمینی را که در آن ساکن هستی، یعنی تمام سرزمین کنعان، به عنوان یک دارایی دائمی خواهم داد و من خدای آنها خواهم بود، آیات ۷ و ۸. اگرچه ختنه در خاور نزدیک باستان رایج بود، اما خداوند به آن معنای جدیدی می‌دهد.

این مهر و موم عهد است، آیه ۱۱، رومیان ۴:۱۱. خدا دستور می‌دهد که این کار روی نوزادان هشت روزه و مردان بالغ انجام شود، و ابراهیم اطاعت می‌کند، پیدایش ۱۷: ۲۳ تا ۲۷. ابراهیم در پیدایش ۱۵ شریک منفع‌ل خدا بوده است.

اکنون، او فعال و مسئول حفظ عهد است. نقش ابراهیم و فرزندانش مهم است، اما نقش خدا در رابطه عهد بسیار مهم‌تر است. خدا وعده داد که ابراهیم را برکت دهد و نام او را بزرگ کند، او را به ملتی بزرگ تبدیل کند و از طریق او همه خانواده‌ها و مردم جهان را برکت دهد، پیدایش ۱۲، ۱ تا ۳. خدا خود را سپر ابراهیم اعلام کرد و پاداش بزرگی از جمله سرزمین کنعان را به او وعده داد، ۱۵:۱. او سوگند یاد کرد که به عهد خود با ابراهیم و نسل او پایبند باشد و در صورت بی‌وفایی، خود را نفرین کرد، آیه ۱۷.

، بالاتر از همه، خدا به ابراهیم و فرزندانش، قوم خدا در عهد عتیق، وعده داد که برای همیشه خدا باشد پیدایش ۱۷:۷. در مورد عهد موسی، به دلیل اظهارات عهد جدید در مورد برتری آن نسبت به عهد عتیق، ما تمایل داریم عهد موسی را کم‌اهمیت جلوه دهیم. برخی از آن قسمت‌های عهد جدید که از برتری عهد جدید بر عهد قدیم صحبت می‌کنند، کدامند؟ غلاطیان ۳:۱۵ تا ۲۹، دوم قرنتیان ۳:۷ تا ۱۳، عبرانیان ۷:۱۱ تا ۱۹، عبرانیان ۸:۱ تا ۱۳. یک بار دیگر

غلاطیان ۳:۱۵ تا ۲۹، دوم قرنتیان ۳:۷ تا ۱۳، عبرانیان ۷:۱۱ تا ۱۹، عبرانیان ۸:۱ تا ۱۳. از قضا، این تأکید بر برتری عهد جدید در واقع اهمیت آن را کاهش می‌دهد، زیرا به نظر می‌رسد که از یک عهد ضعیف بهتر است. اما اگر حق عهد موسی را ادا کنیم، برتری عهد جدید در مقایسه با آن درخشان‌تر می‌درخشد.

عهد موسی که عهد عتیق و گاهی به طور خلاصه شریعت نیز نامیده می‌شود، در خروج ۱۹ تا ۲۴ آمده است. معمولاً شریعت به ده فرمان اشاره دارد و جنتری و ولوم به درستی ادعا می‌کنند که این ده کلمه قلب عهد بین خدا و اسرائیل در سینا را تشکیل می‌دهند. جنتری و ولوم، پادشاهی از طریق عهد، یک درک الهیاتی کتاب مقدسی از عهدهاست.

در عهد موسی، خداوند به قوم خود پنج هدیه داد. روشی که من این را می‌گویم این است که، همانطور که در کتاب عبرانیان آمده است، ما به عهد عتیق، عهد جدید، نگاه می‌کنیم، تا جایی که اگر از عهد جدید به عهد قدیم نگاه کنیم، به مراتب برتر از آن می‌رسیم.

اما اگر خود را در متن اسرائیل عهد عتیق قرار دهیم، و اگر به گذشته نگاه کنیم، نه به گذشته، بلکه به اطراف، می‌بینیم که عهد موسی چقدر بزرگ بود. اول، در عهد موسی، خدا به پنج طریق به قوم خود عطا کرد. اول عهد عتیق، همانطور که مقدمه آن نشان می‌دهد، بر فیض رستگاری بخش خدا بنا شده بود.

من خداوند، خدای تو هستم که تو را از سرزمین مصر، از محل بردگی بیرون آوردم، خروج ۲۰ در آیه ۲ استوارت می‌گوید داگلاس استوارت، تفسیر خروج، به دلیل نجات اسرائیل از بردگی در مصر، یهوه بر قوم برگزیده خود ادعایی داشت. نقل قول بسته. داگلاس کی. استوارت، تفسیر خروج، صفحات ۴، ۴، ۶ و ۷، بنابراین، شریعت ریشه در فیض دارد.

به همین دلیل است که آنها احکام را نه ظالمانه، بلکه هدیه‌ای از جانب خداوند به قومش می‌دانند. کسانی که توسط خداوند نجات یافته‌اند، او و شریعت او را دوست دارند، مزمور ۱۱۹:۱۶۷. و از آن لذت می‌برند، مزمور آیات ۱۶، ۵۰، ۵۲، ۷۲، ۱۰۳ و ۱۱۱، ۱۱۹.

کسانی که توسط خدا نجات یافته‌اند، او و شریعت او را دوست دارند، مزمور ۱۱۹:۱۶۷. و آنها از شریعت خدا لذت می‌برند، آیات ۱۶، ۵۰، ۵۲، ۷۲، ۱۰۳، ۱۱۱. دوم، این است که شریعت از پنج طریق یک هدیه است.

دوم، عهد موسی خاص بود. خدا بر تمام ملت‌های خاور نزدیک باستان خداوند بود، اما او تنها اسرائیل را به عنوان قوم خود برگزید. خروج ۷:۶، ۱۰، ۱۵، ۱۴، ۲. خروج ۷:۶، ۱۰، ۱۵، ۱۴، ۲. از روی لطف خالص، خروج ۷:۶ تا ۸. سوم، عهد عتیق هویت قوم خدا را تعریف می‌کرد.

موسی از کوه سینا به بنی اسرائیل یادآوری کرد که آنها قومی نجات یافته هستند، زیرا، نقل قول: شما دیده‌اید که من با مصریان چه کردم و چگونه شما را بر بال‌های عقاب حمل کردم و نزد خود آوردم. خروج ۱۹:۴. خدا قوم خود را به وفاداری به عهد فرا می‌خواند. نقل قول: اکنون اگر چنین باشید، اگر با دقت به من گوش فرا دهید و عهد مرا ننگه دارید، از میان همه قوم‌ها، شما مال من خواهید بود.

اگرچه تمام زمین از آن من است، شما پادشاهی کاهنان و ملت مقدس من خواهید بود. خروج ۵: ۱۹ و ۶ کریس رایت در اینجا می‌گوید که یهوه هویت و مأموریت اسرائیل را به تصویر می‌کشد. جایگاه اسرائیل، به گفته‌ی او، گنجینه‌ی ارزشمند پادشاه بزرگ آن است.

نقش این است که یک جامعه کاهن و مقدس در میان ملت‌ها باشیم. کریستوفر رایت، مأموریت خدا، صفحه متأسفانه، قوم خدا جایگاه خود را به عنوان یک بت در نظر گرفتند و نوری برای ملت‌ها نبودند. ۲۵۶.

چهارم، عهد موسی صفات خدا را به نمایش گذاشت. خدای جلال، خود را به قومش آشکار کرد. عدالت و تقدس او در پدیده‌های طبیعی و ممنوعیت‌های دست نزدن به کوه به دلیل خطر مرگ، آشکار بود.

سپس مردم، نقل قول، لرزیدند و از هم دور ایستادند، خروج 20:18، و، نقل قول، التماس کردند که دیگر حرفی با آنها زده نشود. نقل قول نزدیک، عبرانیان 12:18، 19. فرمان دوم بت‌پرستی را ممنوع کرد و فیض و تقدس خدا را نشان داد.

قوم خدا نباید بت می‌ساختند، آنها را پرستش می‌کردند یا به آنها خدمت می‌کردند. خروج ۴: ۲۰ و ۵. زیرا، نقل قول می‌کنم، من، خداوند، خدای تو، خدایی حسود هستم که عواقب گناه پدر را بر فرزندان تا نسل سوم و چهارم کسانی که از من متنفرند، می‌آورم، اما به هزاران نسل از کسانی که مرا دوست دارند و از دستورات من پیروی می‌کنند، عشق و محبت وفادارانه نشان می‌دهم. خروج ۲۵ و ۶. استوارت درست می‌گوید.

نقل قول، بخش اول بیانگر این ادعا نیست که خداوند در واقع نسلی بی‌گناه را به خاطر گناهان نسل پیشین مجازات می‌کند. بلکه، این مضمون که اغلب تکرار می‌شود، از عزم خداوند برای مجازات نسل‌های متوالی به خاطر ارتکاب همان گناهی که از والدین خود آموخته‌اند، سخن می‌گوید. استوارت، تفسیر خروج، ۴، ۵، ۴. پنجمین راهی که شریعت هدیه‌ای از جانب خداست، عهد موسی است.

عهد عتیق هسته اخلاق کتاب مقدس را تشکیل می‌دهد. واکتی توضیح می‌دهد، نقل قول می‌کند، مرکز الهیات کتاب مقدس این پیام است که اراده خدا بر روی زمین برای جلال او انجام خواهد شد. و مهمترین بیان اراده او ده فرمان است.

نقل قول بسته. والتکه در *الهیات عهد عتیق*، صفحه ۴۱۴. در نتیجه، مفاهیم متعارف پیدایش ۱۹: ۸ تا بسیار زیاد است ۲۴.

همانطور که پاول هاوس نشان می‌دهد، نقل قول می‌کند، از موسی، تثنیه ۵:۶ تا ۲۱، تا ارمیا، ارمیا ۷:۱ تا ۱۵ تا عیسی، متی ۵ تا ۷، تا پطرس، اول پطرس ۲:۹، و هر نویسنده کتاب مقدس دیگری که در مورد اخلاق عهد و رابطه با خدا چیزی برای گفتن دارد، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در این متن تأمل می‌کند. هاوس، الهیات عهد عتیق، ۱۱۷. با توجه دوباره به آن متون، همه از موسی، تثنیه ۵:۶ تا ۲۱، تا ارمیا ۷:۱ تا ۱۵، تا عیسی، متی ۵ تا ۷، تا پطرس، اول پطرس ۲:۹، این متن را منعکس می‌کنند.

البته، این متون. خروج ۱۹ تا ۲۴ در ده فرمان تجسم یافته‌اند. اگرچه عهد موسی یک هدیه الهی به اسرائیل بود، اما عهد جدید بسیار برتر است.

بنابراین، ما از دیدگاه عهد عتیق به اطراف نگاه کردیم و دیدیم که ما اغلب با نگاه به گذشته، عهد موسی را بدانم می‌کنیم. با نگاه به اطراف، می‌بینیم که این یک هدیه بزرگ از جانب خدا بود. اکنون، ما به گذشته نگاه می‌کنیم.

عهد جدید بسیار برتر است. پولس عهد موسی را در مقایسه با عهد جدید اینگونه توصیف می‌کند که کلام خدا می‌گردد، اما خدمتی که مرگ و محکومیت به بار می‌آورد، زنده می‌کند. دوم قرن‌تین ۳: ۶، ۷، ۹ (در مقابل، عهد جدید حیات می‌بخشد، آیه ۶، و خدمت روح است که پارسایی را به ارمغان می‌آورد.

دوم قرن‌تین ۸: ۳ و ۹. علاوه بر این، شریعتی که زمانی باشکوه بود، دیگر باشکوه نیست، نقل قول، به دلیل شکوهی که از آن فراتر می‌رود. دوم قرن‌تین ۳، آیه ۱۰. مدت‌ها پیش از پولس، ارمیا نبی تعلیم داد که عهد جدید، نقل قول، مانند عهدی که با اجدادشان در روزی که دستشان را گرفتم تا از سرزمین مصر بیرونشان ببرم، بستم، نخواهد بود.

عهد مرا که شکستند، با اینکه من سرورشان هستم. ارمیا ۳۱: ۳۲. تقصیر نه از عهد موسی، بلکه از قوم سرکش خدا بود.

اگرچه آنها شرایط عهد را خیلی ساده پذیرفتند، خروج ۱۹: ۷ و ۸ و ۲۴: ۳. آنها شرایط عهد را پذیرفتند، خروج ۸، ۲۴: ۳، و اعلام برکات برای اطاعت و لعنت برای نافرمانی را شنیدند، تثنیه ۲۸، تثنیه ۱۱: ۳۰ تا ۱۹: ۷ آنها بارها به یهوه بی‌وفا ثابت شدند. آنها نتوانستند عهد موسی را در پرتو عهد ابراهیمی درک کنند، همان ۲۰. اشتباهی که یهودیان بعداً مرتکب شدند، غلاطیان ۳: ۱۰ تا ۱۸.

یهودیان در عهد عتیق، در پرتو عهد ابراهیمی پیشین که بر فیض و ایمان تأکید داشت، از درک عهد موسی و تعهدات آن عاجز ماندند. و این همان اشتباهی است که یهودیانی که پولس با آنها مخالفت کرد، مرتکب شدند، غلاطیان ۳: ۱۰ تا ۱۸. بنابراین، به جای شکرگزاری برای رستگاری خدا، خروج ۲۰: ۲ و ۶، من خداوند خدای تو هستم، تو را از مصر، از بردگی بیرون آوردم، و تکیه بر فیض او، به جای آن، به جای شکرگزاری از خدا برای رستگاری و فیض او، آنها در پی حفظ شریعت به عنوان یک هدف در خود، یک اقدام ناامیدکننده برای قلب‌های نامختون خود، تثنیه ۱۰: ۱۶، ۳۶، ارمیا ۴: ۴، بودند. قلب‌های نامختون، تثنیه ۱۰: ۱۶، تثنیه ۶، آیه ۴، ۴. در سخنرانی بعدی، مطالعه خود را در مورد قوم خدا در عهد عتیق ادامه خواهیم ۳۰ داد. و به عهد داوود و سپس عهد جدید خواهیم پرداخت.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه سوم، قوم خدا در عهد عتیق، بخش اول است.